

عنوان مقاله:

نقد اخلاق، جنسیت و تغییر مرزهای فاعل اخلاقی

محل انتشار:

دوفصلنامه غرب شناسی بنیادی، دوره 7، شماره 2 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسنده:

مریم نصرافهانی - دکتری فلسفه، عضو گروه مطالعات زنان در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

خلاصه مقاله:

فلسفه اخلاق از زمان افلاطون و ارسطو تا چند دهه پیش نه فقط ساخته فلاسفه مرد بوده که متناسب مخاطب مرد هم پرداخته میشده است. در دهه‌های اخیر زنان فیلسوف در حوزه‌های گوناگون فلسفه اخلاق قلم زده‌اند. برخی به اخلاق فضیلت-بنیاد جان تازهای بخشیده‌اند؛ برخی اخلاق مراقبت-بنیاد را پرورانده‌اند و برخی مانند فمینیست‌های رادیکال از اخلاق عشق سخن گفته‌اند. گرچه این متفکران همگی به یک نحله فکری تعلق ندارند، اما از نوشته‌های آنان آوای مشترکی به گوش میرسد که با جریان غالب در فلسفه اخلاق متفاوت است. این مقاله به بررسی این صدای متفاوت مشترک پرداخته و نشان داده است که این متفکران، در تقاضا برای به رسمیت شناختن عواطف و روابط انسانی در فلسفه اخلاق متفق هستند. با به رسمیت شناختن عواطف و روابط، مفهوم خودآیینی به چالش کشیده شده و مرزهای فاعل اخلاقی از درون و بیرون تغییر میکند. خود اخلاقی نه تنها نسبت به اعمال جوارچی که نسبت به حالات درونی خود نیز اخلاقاً مسئول بوده و باز مسئولیت اخلاقی متفاوتی نسبت به دیگران نزدیک خود خواهد داشت. ورود نگاه جنسیتی به اخلاق در نهایت همیشه به دنبال واگرایی ذات‌گرایانه نیست که پیشنهاداتی برای دستیابی به همگرایی دارد که در این مقاله بررسی شده است.

کلمات کلیدی:

جنسیت، فلسفه اخلاق، فاعل اخلاقی، احساسات، خودآیینی ارتباطی، زنان در فلسفه اخلاق

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1188769>

